

Designing a Model for Sport-Based Entrepreneurship Education among Students with a Focus on Quality Education and Sustainable Economic Development

Marziyeh Khalifeh Soltani^{1✉}

1. Assistant professor in sport management, Department of Sport Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. (Corresponding Author). Email: mkh_sport@ped.usb.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 15 April 2026

Received in revised form:

19 May 2026

Accepted: 13 June 2026

Published online:

21 June 2026

Keywords: Entrepreneurship

Education, Sustainable

Development Goals, Quality

Education, Sustainable

Economy

ABSTRACT

The present study aimed to design a sport-based entrepreneurship education model among students with an emphasis on quality education and sustainable economic development. This study was conducted using a qualitative research approach. The study sample consisted of thirteen semi-structured interviews with academic and executive experts, and the sampling was conducted using the snowball technique until theoretical saturation was reached. The collected data were analyzed through three stages of coding, including open, axial, and selective coding, resulting in 77 initial codes, 24 subcategories, and 12 main categories. The findings revealed that individual student empowerment through sport, the development of entrepreneurial competencies, and entrepreneurial socialization in the sport context were identified as causal factors. The formation of entrepreneurial attitudes and values, as well as the perception of career opportunities in sport, were identified as contextual factors. School-oriented action, development-oriented technology, and resources and facilities were recognized as intervening factors. Furthermore, school-based educational-sport strategies and active student participation were identified as strategic factors, while entrepreneurial orientation and sustainable economic development were recognized as the consequences of sport-based entrepreneurship education among students, emphasizing quality education and sustainable economic development. Therefore, it can be concluded that integrating sport with purpose-driven entrepreneurship education in schools represents a comprehensive and sustainable educational strategy that not only enhances learning quality and students' individual skills but also prepares them for effective participation in professional and economic environments. This approach can play a significant role in educating a capable, creative, responsible, and active future generation and is aligned with the global Sustainable Development Goals.

Cite this article: Khalifeh Soltani, Marziyeh. (2026). Designing a Model for Sport-Based Entrepreneurship Education among Students with a Focus on Quality Education and Sustainable Economic Development. *Journal of Creative and Effective Education*, 2 (1), 67-90.

DOI: 10.22111/cee.2026.55330.1026



© The Author(s). Marziyeh, Khalifeh Soltani

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

طراحی مدل آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در بین دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار

مرضیه خلیفه سلطانی^۱ ✉

۱. استادیار مدیریت ورزشی، گروه علوم ورزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: mkh_sport@ped.usb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	آموزش کارآفرینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در توسعه سرمایه انسانی، نقش مهمی در توانمندسازی دانش‌آموزان برای ورود مؤثر به بازار کار و ایجاد فرصت‌های شغلی ایفا می‌کند. هدف از پژوهش حاضر طراحی مدل آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در بین دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار است. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی می‌باشد. نمونه آماری شامل سیزده مصاحبه نیمه ساختار یافته با خبرگان علمی و اجرایی بود و روش نمونه‌گیری با تکنیک گلوله‌برفی تا رسیدن به اشباع نظری صورت گرفت. اطلاعات دریافتی از مصاحبه‌ها از طریق کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند، که ۷۷ کد اولیه، ۲۴ مقوله فرعی و ۱۲ مقوله اصلی به دست آمد. نتایج نشان داد، عوامل توانمندسازی فردی دانش‌آموزان از طریق ورزش، توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه و اجتماعی‌شدن کارآفرینانه در بستر ورزش از عوامل علی، شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌های کارآفرینانه و ادراک فرصت‌های شغلی در ورزش از عوامل زمینه‌ای، کنش‌محور مدرسه‌ای، فناوری توسعه محور و منابع و امکانات از عوامل مداخله‌گر بودند. همچنین راهبردهای آموزشی- ورزشی مدرسه‌ای و مشارکت فعال دانش‌آموزان راهبردها و جهت‌گیری کارآفرینانه- توسعه اقتصاد پایدار پیامد آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در بین دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که ادغام ورزش با آموزش کارآفرینی هدفمند در مدارس، راهبردی جامع و پایدار آموزشی است که هم به توسعه کیفیت یادگیری و مهارت‌های فردی دانش‌آموزان می‌انجامد و هم آنان را برای ورود مؤثر به محیط‌های حرفه‌ای و اقتصادی آماده می‌سازد. این رویکرد می‌تواند نقش مهمی در تربیت نسل آینده‌ای توانمند، خلاق، مسئول و فعال در جامعه ایفا کند و با اهداف جهانی توسعه پایدار، هماهنگ باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۱/۲۶	
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۲/۲۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۲۳	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۳/۳۱	
واژه‌های کلیدی: آموزش کارآفرینی، اهداف توسعه پایدار، آموزش با کیفیت، اقتصاد پایدار	

استناد: خلیفه سلطانی، مرضیه. (۱۴۰۵). طراحی مدل آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در بین دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار. آموزش خلاق و اثربخش، ۲ (۱)، ۶۷-۹۰.

DOI: 10.22111/cee.2026.55330.1026



۱ - مقدمه

در دهه‌های اخیر، توجه به آماده‌سازی نسل آینده برای مواجهه با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته است. در این راستا، در سراسر جهان، نظام‌های آموزشی علاوه بر انتقال دانش، بر توسعه مهارت‌هایی همچون خلاقیت، نوآوری، حل مسئله و کارآفرینی تأکید می‌کنند. در این میان، آموزش کارآفرینی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه سرمایه انسانی، نقش مؤثری در توانمندسازی دانش‌آموزان برای ورود به بازار کار و ایجاد فرصت‌های شغلی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، همسو با اهداف سازمان ملل^۱، به‌ویژه هدف چهارم (آموزش باکیفیت) و هدف هشتم (کار شایسته و رشد اقتصادی پایدار)، نظام‌های آموزشی به سمت بازنگری در رویکردهای سنتی و حرکت به‌سوی روش‌های نوین، کاربردی و مهارت‌محور سوق یافته است. در این چارچوب، تلفیق آموزش کارآفرینی با تجربه‌های عملی و یادگیری مبتنی بر عمل می‌تواند اثربخشی آموزش را افزایش داده و زمینه تحقق توسعه اقتصادی پایدار را فراهم کند (موستاکاس و رینارد^۲، ۲۰۲۳).

کارآفرینی به‌عنوان راهبردی مؤثر برای ارتقای رفاه ملی و توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شناخته می‌شود (آتموچو^۳ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ویکلوند^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین، آموزش کارآفرینی می‌تواند نیت و نگرش‌های کارآفرینانه را تقویت کرده و از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، به پایداری اقتصادی کمک کند (تارنر و گیانودیسی^۵، ۲۰۱۸؛ ساپتونو^۶ و همکاران، ۲۰۲۱؛ راتن و جونز^۷، ۲۰۲۱). از این‌رو، بسیاری از نظام‌های آموزشی به آموزش کارآفرینی در سنین پایین توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در همین راستا، کشورهای اروپایی مانند انگلستان، سوئد، بلژیک، دانمارک و نروژ راهبردهایی برای ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه‌های درسی مدارس تدوین کرده‌اند (اندو^۸ و همکاران، ۲۰۱۸). برای نمونه، در انگلستان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی ضمن یادگیری مهارت‌های تولید محصولات سرمایی، با فرایند عرضه و فروش آن‌ها نیز آشنا می‌شدند و از طریق بازارچه‌های دانش‌آموزی تجربه عملی فعالیت‌های کارآفرینانه را کسب می‌کردند (جانسون و اسچنگ^۹، ۲۰۱۳). موفقیت این الگو، آن را به یکی از نمونه‌های مؤثر آموزش کارآفرینی در مدارس تبدیل کرده است.

در واقع، فعالیت‌های آموزش کارآفرینی برای کودکان در سنین ابتدایی باید متفاوت از سایر سطوح آموزشی طراحی شود. در همین راستا، بسیاری از پژوهشگران بر ظرفیت «محیط‌های یادگیری بیرونی» به‌ویژه محیط‌های ورزشی به‌عنوان بستری مناسب برای آموزش کارآفرینی تأکید کرده‌اند. برای مثال، لینداستورم^{۱۰} (۲۰۱۳) استدلال می‌کند که فعالیت‌های یادگیری می‌توانند خارج از کلاس درس طراحی شوند تا دانش‌آموزان در فضایی پویا، فرصت یادگیری، کشف و خلق ایده‌های نو را تجربه کنند. این دیدگاه با ماهیت محیط‌های ورزشی که مبتنی بر فعالیت، تعامل و تجربه

¹. United Nations (UN)

². Moustakas & Reynard

³. Atmojo et al

⁴. Wiklund et al

⁵. Turner & Gianiodis

⁶. Saptono et al

⁷. Ratten & Jones

⁸. Ndou et al

⁹. Johansen & Schanke

¹⁰. Lindstrom

عملی است همخوانی قابل توجهی دارد. همچنین، خان^۱ و همکاران (۲۰۱۹) محیط یادگیری بیرونی را عنصری حیاتی در برنامه درسی می‌دانند و معتقدند که چنین محیطی در مقایسه با الگوی سنتی کلاس درس، آزادی بیشتری برای اندیشیدن، تجربه‌گری و بروز خلاقیت در اختیار کودکان قرار می‌دهد. علاوه بر این، کوپر^۲ (۲۰۱۵) بیان می‌کند که محیط‌های یادگیری بیرونی با فراهم کردن تعامل دانش‌آموزان با همسالان و طبیعت، زمینه‌ساز یادگیری تجربی، تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پرورش نگرش‌های نوآورانه هستند. بر این اساس، محیط ورزشی مدرسه می‌تواند فراتر از فعالیت بدنی، به بستری برای آموزش عملی کارآفرینی تبدیل شود و به‌عنوان فضایی تجربی، مهارت‌هایی مانند کار تیمی، حل مسئله، ریسک‌پذیری و تصمیم‌گیری را که از مؤلفه‌های اصلی شایستگی‌های کارآفرینانه هستند، تقویت کند.

در راستای توسعه پیوند میان ورزش و کارآفرینی، راهنماها و برنامه‌های آموزشی متعددی با هدف نظام‌مند کردن این ارتباط تدوین شده‌اند که به‌طور مشخص نشان می‌دهند چگونه می‌توان از ورزش به‌عنوان بستری مؤثر برای آموزش مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینانه بهره گرفت. این راهنماها توسط نهادهای مختلفی از جمله سازمان‌های دولتی، مؤسسات توسعه‌ای، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی منتشر شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به آکادمی توسعه سوئیس^۳، استاندارد چارترد^۴ و سازمان کیک فور لایف^۵ اشاره کرد. به‌طور کلی، این منابع با ارائه مجموعه‌ای از بازی‌ها و فعالیت‌های ورزشی هدفمند و متناسب‌سازی شده، فرصت‌های یادگیری تجربی را برای فراگیران فراهم می‌کنند و از این طریق به توسعه مهارت‌های زندگی، خلاقیت، حل مسئله، کار تیمی و سایر شایستگی‌های مرتبط با کارآفرینی کمک می‌نمایند (موستاکاس و رینارد، ۲۰۲۳). با وجود گسترش توجه به پیوند میان ورزش و آموزش کارآفرینی، نوظهور بودن این حوزه موجب شده است که همچنان شکاف‌هایی میان ابعاد نظری و کاربردی آن وجود داشته باشد. در همین راستا، برخی پژوهشگران بر ضرورت انجام مطالعات بیشتر برای تبیین چگونگی بهره‌گیری مؤثر مربیان ورزشی از رویکردهای کارآفرینانه در فرایند آموزش و نیز بررسی نقش و کارکرد آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در توسعه فردی، اجتماعی و اقتصادی تأکید کرده‌اند. از این رو، توسعه دانش نظری و شواهد تجربی در این زمینه می‌تواند به ارتقای اثربخشی برنامه‌های آموزشی و بهره‌برداری بهتر از ظرفیت‌های ورزش در پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه کمک کند (راتن و تورکال، ۲۰۲۰).

با توجه به پیشینه تحقیقات و مطالب مطرح شده می‌توان گفت که، در راستای اهداف توسعه پایدار سازمان ملل، به‌ویژه هدف چهارم (آموزش باکیفیت و فراگیر) و هدف هشتم (اشتغال مولد و رشد اقتصادی پایدار)، بهره‌گیری از رویکردهای نوین آموزشی برای توسعه هم‌زمان مهارت‌های فردی و ظرفیت‌های اقتصادی دانش‌آموزان اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال، آموزش کارآفرینی در مدارس همچنان با چالش‌هایی مانند تمرکز بر آموزش حافظه‌محور، کمبود مهارت‌های کارآفرینانه در دانش‌آموزان، کمبود زمان در برنامه درسی، فقدان معلمان متخصص و غلبه رویکردهای نظری و مقاومت ساختاری نظام آموزشی مواجه است که در نتیجه، تمایل به کارآفرینی در میان دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.

¹. Khan et al

². Cooper

³. the Swiss Academy for Development

⁴. Standard Chartered

⁵. Kick for Life

از این رو، استفاده از بسترهای جایگزین و تجربه محور ضروری است. در این میان، ورزش مدرسه‌ای به عنوان محیطی پویا و تعاملی، ظرفیت مناسبی برای پرورش مهارت‌هایی مانند کار تیمی، تصمیم‌گیری، ریسک‌پذیری و حل مسئله دارد و می‌تواند دانش آموزان را با فرصت‌های اقتصادی مرتبط با حوزه ورزش نیز آشنا کند. با وجود این قابلیت‌ها، بهره‌گیری نظام‌مند از ورزش در آموزش کارآفرینی هنوز محدود بوده و فقدان الگوهای علمی و بومی در این زمینه احساس می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که مدل آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در میان دانش آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار چگونه طراحی و تبیین می‌شود؟

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

آموزش کارآفرینی فعالیتی یادگیری محور است که به تقویت دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و شخصیت فرد در ارتباط با کارآفرینی می‌پردازد (حسین و نوراشیده^۱، ۲۰۱۵). همچنین، کریکود^۲ و همکاران (۲۰۱۴) آموزش کارآفرینی را فرایندی می‌دانند که از طریق آن افراد توانایی بازتاب و ارزیابی اقدامات خود را در جهت تقویت یادگیری و بهبود عملکرد کسب می‌کنند. به گفته واردانا^۳ و همکاران (۲۰۲۰) درک و شکل‌گیری تصویر مثبت از کارآفرینی زمانی محقق می‌شود که پاسخ‌دهندگان آمادگی بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه را داشته باشند؛ فرصت‌هایی که عموماً مطلوب، امکان‌پذیر و ارزش‌آفرین تلقی می‌شوند. در این چارچوب، دانش آموزان باید ذهنیت کارآفرینانه خود را به گونه‌ای توسعه دهند که کسب و کار آنان توان بقاء، انطباق و رشد در محیط‌های رقابتی را داشته باشد. در این میان، آموزش کارآفرینی در ورزش به عنوان نوعی از آموزش کارآفرینی در بستر فعالیت‌های ورزشی تعریف می‌شود که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های محیط‌های ورزشی، به توسعه مهارت‌ها، نگرش‌ها و شایستگی‌های کارآفرینانه می‌پردازد (راتن و جونز، ۲۰۲۱). به گفته راتن (۲۰۱۱) این نوع آموزش از طریق مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، زمینه تقویت مهارت‌هایی مانند کار تیمی، تصمیم‌گیری، ریسک‌پذیری و شناسایی فرصت‌های اقتصادی در حوزه ورزش را فراهم می‌سازد و به شکل‌گیری ذهنیت کارآفرینانه و توانایی ایجاد و توسعه کسب و کارهای مرتبط با ورزش کمک می‌کند.

پیشینه پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی به یکی از موضوعات مهم در مطالعات کارآفرینی تبدیل شده است، زیرا نقش آن در تقویت قصد کارآفرینانه دانش آموزان قابل توجه است. در همین راستا، موساکاس و رینارد (۲۰۲۳) تأکید می‌کنند که آموزش کارآفرینی باید از برنامه‌های ارتقای اشتغال‌پذیری متمایز شود؛ زیرا برنامه‌های اشتغال‌پذیری بر توسعه مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای تمرکز دارند، در حالی که آموزش کارآفرینی بر پرورش شایستگی‌هایی همچون خلاقیت، فرصت‌شناسی، نوآوری، انعطاف‌پذیری، ریسک‌پذیری و حل مسئله تأکید دارد. همچنین آنان با استناد به گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱) بیان می‌کنند در کشورهایی که با نرخ بالای بیکاری جوانان مواجه هستند، آموزش کارآفرینی می‌تواند به عنوان راهبردی مؤثر برای توانمندسازی نسل جوان، توسعه مهارت‌های اشتغال‌پذیری و ایجاد فرصت‌های اقتصادی پایدار عمل کند. همچنین، یافته‌های پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که ذهنیت کارآفرینانه از پنج مؤلفه کلیدی شامل ریسک‌پذیری، جست‌وجوی فعال فرصت‌های جدید، عمل‌گرایی، یادگیری مستمر و برخورداری از چشم‌انداز بلندمدت تشکیل شده است. پرورش و تقویت این مؤلفه‌ها می‌تواند به شکل‌گیری

¹. Hussain & Norashidah

². Kirkwood

³. Wardana

نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی، افزایش خلاقیت و نوآوری و همچنین ارتقای تمایل دانش‌آموزان به مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینانه و اقتصادی منجر شود (واردانا و همکاران، ۲۰۲۰؛ بوتساریس و واماواکا^۱، ۲۰۱۶؛ داویس^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). از دیدگاه ساپتونو (۲۰۲۱)، آموزش کارآفرینی فرایندی یادگیری‌محور است که توانایی فرد را در تحریک ایده‌ها، خلاقیت و نوآوری برای پیشبرد فعالیت‌های کارآفرینانه تقویت می‌کند. در مجموع، آموزش کارآفرینی در مدارس ابتدایی نه تنها در انتقال دانش، بلکه در شکل‌دهی نگرش‌ها، رفتارها و ذهنیت کارآفرینانه نقش اساسی دارد. در همین راستا، واردانا و همکاران (۲۰۲۰) بر کمبود مطالعات در مقطع ابتدایی تأکید دارند، در حالی که آموزش کارآفرینی در این مقطع را برای توسعه مهارت‌ها و توانمندی‌ها ضروری می‌دانند. همچنین نواینسکی^۳ و همکاران (۲۰۱۹) نشان داده‌اند که آموزش کارآفرینی می‌تواند موجب افزایش خودکارآمدی دانش‌آموزان شود. از سوی دیگر هابر^۴ و همکاران (۲۰۱۴) تأکید می‌کنند که آموزش کارآفرینی برای مدارس ابتدایی عمدتاً بر تحریک آگاهی کارآفرینانه تمرکز دارد. بنابراین، آموزش کارآفرینی در مدارس ابتدایی نه تنها در انتقال دانش بلکه در شکل‌دهی نگرش‌ها، رفتارها و ذهنیت کارآفرینانه نیز حیاتی است. علاوه‌براین ستوده و مدرسی (۱۴۰۰) در پژوهشی بیان می‌کنند که در طراحی برنامه‌های آموزش کارآفرینی، اهداف باید به‌صورت دقیق و در سطوح مختلف تعیین شوند و سایر عناصر برنامه درسی مانند محتوا، روش تدریس و نقش معلم نیز متناسب با این اهداف تنظیم گردد. در این زمینه طغریایی و همکاران (۱۳۹۸) نیز بر اهمیت تقویت نظام آموزشی به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های اصلی توسعه کارآفرینی تأکید کرده‌اند و معتقدند آموزش کارآفرینانه نیازمند توجه هم‌زمان به الگوهای جهانی و شرایط بومی است.

در چارچوب اهداف توسعه پایدار، نظام‌های آموزشی نقش کلیدی در شکل‌دهی به سرمایه انسانی و آماده‌سازی افراد برای مواجهه با نیازهای متغیر بازار کار ایفا می‌کنند. از این منظر، کیفیت آموزش و پیوند آن با مهارت‌های شغلی و کارآفرینانه از مهم‌ترین محورهای تحول در آموزش معاصر به شمار می‌رود. در همین راستا، یونسکو^۵ (۲۰۱۶) در سند «آموزش ۲۰۳۰» و با تأکید بر هدف چهارم توسعه پایدار بیان می‌کند که آموزش باکیفیت مستلزم گذار از رویکردهای سنتی مبتنی بر حافظه‌محوری به سمت آموزش‌های مهارت‌محور و یادگیرنده‌محور است. همچنین این سازمان تأکید می‌کند که توسعه مهارت‌هایی همچون تفکر انتقادی، خلاقیت، حل مسئله و توانایی یادگیری مادام‌العمر از ارکان اصلی آموزش باکیفیت محسوب می‌شود و استفاده از محیط‌های یادگیری فعال و تجربه‌محور می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش و افزایش شایستگی‌های دانش‌آموزان کمک کند. از سوی دیگر، سازمان بین‌المللی کار^۶ (۲۰۲۰) در ارتباط با هدف هشتم توسعه پایدار تأکید می‌کند که توسعه مهارت‌های کارآفرینانه در نظام‌های آموزشی نقش مهمی در ایجاد اشتغال پایدار و رشد اقتصادی دارد. این سازمان معتقد است آموزش‌هایی که بر نوآوری، خوداشتغالی و مهارت‌های کاربردی تمرکز دارند، می‌توانند فرصت‌های شغلی جدید ایجاد کرده و به تقویت اقتصاد پایدار کمک کنند. در همین چارچوب، پیوند آموزش با حوزه‌های کاربردی و عملی مانند ورزش می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه مهارت‌های شغلی و کارآفرینانه در میان جوانان فراهم آورد و به ارتقای کیفیت یادگیری و تحقق اهداف توسعه پایدار کمک کند.

1. Botsaris & Vamvaka

2. Davis et al

3. Nowiński

4. Huber

5. UNESCO

6. International Labor Organization (ILO)

در مجموع، این پیشینه‌ها نشان می‌دهند که تحقق هم‌زمان آموزش باکیفیت و رشد اقتصادی پایدار مستلزم بازطراحی نظام‌های آموزشی و توجه به توسعه مهارت‌های کارآفرینانه و پیوند آن با عرصه‌های عملی مانند ورزش است. ادغام ورزش با آموزش کارآفرینی در مدارس با اهداف توسعه پایدار سازمان ملل همسو بوده و از یک‌سو با هدف چهارم توسعه پایدار، امکان پرورش دانش‌آموزانی خلاق، توانمند و مشارکت‌جو را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر با هدف هشتم توسعه پایدار، از طریق تقویت مهارت‌های کارآفرینانه و توانمندی‌های حرفه‌ای، زمینه مشارکت فعال در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را ایجاد می‌کند. در این راستا، ورزش مدرسه‌ای علاوه بر ارتقای سلامت جسمی و روانی، می‌تواند به بستری برای توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینانه تبدیل شود و نقش مهمی در تربیت نسل آینده ایفا کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در میان دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار انجام شده است.

۳- روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی بوده و از نوع پژوهش‌های کیفی با رویکرد داده‌بنیاد نظام‌مند انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل اساتید دانشگاهی و خبرگان آگاه در حوزه‌های مدیریت ورزشی، کارآفرینی و آموزش بود که دارای دانش تخصصی، سوابق پژوهشی مرتبط، تجربه اجرایی در حوزه ورزش و آموزش و آشنایی با مباحث کارآفرینی دانش‌آموزی بودند. معیارهای انتخاب خبرگان شامل داشتن مدرک دکتری در رشته‌های مرتبط، حداقل پنج سال سابقه فعالیت علمی یا اجرایی در حوزه‌های مورد مطالعه و برخورداری از تجربه یا پژوهش‌های مرتبط با موضوع آموزش کارآفرینی و ورزش بود. به‌منظور شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدل، با افراد منتخب مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شد. نمونه‌گیری به روش گلوله‌برفی تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده گردید، که در مصاحبه دوازدهم تکرار در داده‌های دریافتی مشاهده شد، ولی برای اطمینان بیشتر مصاحبه سیزدهم نیز انجام شد که داده‌ها کاملاً تکراری بود، در نتیجه محقق با انجام ۱۳ مصاحبه به اشباع نظری رسید.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

متغیر	ویژگی جمعیت شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۶	۴۶/۱۵
	زن	۷	۵۳/۸۵
سن	۳۵ تا ۴۵ سال	۶	۴۶/۱۵
	۴۶ تا ۵۵ سال	۴	۳۰/۷۷
	۵۶ تا ۶۵ سال	۳	۲۳/۰۸
سابقه کار	۵ تا ۱۰ سال	۳	۲۳/۰۸
	۱۱ تا ۱۵ سال	۴	۳۰/۷۷
	۱۶ تا ۲۰ سال	۲	۱۵/۳۸
	۲۱ تا ۲۵ سال	۲	۱۵/۳۸
	۲۶ تا ۳۰ سال	۲	۱۵/۳۸

سؤالات مصاحبه مرحله به مرحله از جهت روایی مورد تأیید خبرگان قرار گرفت، به طوری که در چند مصاحبه بنا به صلاحدید خبرگان سؤالات مصاحبه تغییر یافت. برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام شده، از روش پایایی بازآزمون استفاده شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شد و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص توسط محقق دو بار کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص شده، در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه شدند. روش بازآزمون برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار می‌رود. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه‌اند، با عنوان "توافق" و کدهای غیرمشابه با عنوان "عدم توافق" مشخص شدند. روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام گرفته توسط محقق در دو فاصله زمانی به ترتیب زیر است:

$$\text{درصد پایایی بازآزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

در تحقیق کنونی برای محاسبه پایایی بازآزمون، از بین مصاحبه‌های انجام گرفته، سه مصاحبه انتخاب و هر کدام از آنها دو بار در فاصله زمانی ۱۰ روزه توسط پژوهشگر کدگذاری شدند.

جدول ۲. محاسبه پایایی بازآزمون

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل داده‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	دوم	۱۸	۸	۳	۸۸٪
۲	چهارم	۲۶	۱۲	۸	۹۲٪
۳	دهم	۳۶	۱۵	۷	۸۳٪
	کل	۸۰	۳۶	۱۸	۹۰٪

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تعداد کل کدها که توسط محقق در دو بازه زمانی به ثبت رسید، برابر ۸۰ نشان و تعداد کل توافقات بین این کدها ۳۶ و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها برابر ۱۸ بود. پایایی بازآزمون برای مصاحبه‌های انجام گرفته با استفاده از فرمول ذکرشده، برابر ۹۰ درصد به دست آمد. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب بود.

از آنجا که این تحقیق به شیوه داده‌بنیاد انجام گرفت، باید گفت که این روش معمولاً در زمینه‌هایی به کار می‌رود که قبلاً تحقیق زیادی در مورد آن صورت نگرفته است. در این موارد یا الگویی وجود ندارد یا وجود الگوها کمکی به حل مشکل نمی‌کند. در روش تحقیق کیفی به شیوه داده‌بنیاد، روش استراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۸) و رویکرد نظام‌مند، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نظریه احتمالی نهایی، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند و محقق به جای پیش فرض گرفتن یک نظریه، با ورود به حوزه مورد مطالعه جمع‌آوری داده‌ها و سپس تجزیه و تحلیل آن‌ها نظریه یا الگوی مناسب را به وجود می‌آورد. بنابراین مطابق نظریه زمینه‌ای مصاحبه‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری

^۱ . Strauss and Corbin

انتخابی تجزیه و تحلیل شدند. جهت کدگذاری، ابتدا مصاحبه‌های ضبط شده که به صورت مکتوب نکته‌برداری شده بودند، گوش داده شد و مرور گردید. سپس داده‌های حاصل از مصاحبه توسط نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری شدند که ۷۷ کد اولیه بدست آمد، سپس کدهای اولیه‌ای که به یک مفهوم خاص اشاره می‌کردند، مقوله‌بندی شدند و ۲۴ مقوله فرعی بدست آمد و کدگذاری باز صورت گرفت. سپس مقولاتی که بار معنایی یکسانی داشتند تحت عنوان یک کد نامگذاری شدند و ۱۲ مقوله اصلی مشخص گردید و کدگذاری محوری انجام شد. در آخر محقق به تکوین مفاهیم درباره رابطه میان مقوله‌های به دست آمده در الگوی کدگذاری محوری پرداخت و کدگذاری انتخابی انجام شد و به مدل مطلوب دست یافت. جهت اطمینان از مطلوبیت مدل، مدل طراحی شده توسط اساتید مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت و مواردی جهت اصلاح و تایید مدل نهایی بیان شد.

۴- تجزیه و تحلیل نتایج

پس از انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، محقق به دقت متون مصاحبه را ثبت کرد و شروع به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برچسب‌های مناسب به هر جمله کرد و کدگذاری اولیه انجام شد. بدین صورت که مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن در مصاحبه‌ها کشف شدند و عبارت‌هایی از مصاحبه که به یک مفهوم خاص اشاره کرده‌اند، تحت کدهای مشترکی نامگذاری شدند و ۷۷ کد اولیه بدست آمد. جدول ۳ نمونه‌ای از کدگذاری اولیه را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری اولیه

کد اولیه	واحد معنادار
افزایش اعتمادبه‌نفس در فعالیت‌های ورزشی	مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به تدریج موجب کاهش خجالت اجتماعی و تقویت اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان می‌شود، به‌طوری‌که آنان توانایی اظهار نظر و حضور فعال در جمع را پیدا می‌کنند.
جرات‌مندی در تصمیم‌گیری	فضای بازی و رقابت بستری برای تمرین تصمیم‌گیری سریع فراهم می‌آورد و افراد می‌آموزند بدون ترس از خطا اقدام کنند. این تجربه به شکل‌گیری جسارت عملی و پذیرش اشتباه به‌عنوان بخشی از فرآیند یادگیری منجر می‌شود.
غلبه بر ترس از شکست	مواجهه مکرر با برد و باخت در ورزش، نگرش افراد را نسبت به شکست تغییر می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که شکست دیگر عامل بازدارنده نیست، بلکه مرحله‌ای از مسیر رشد تلقی می‌شود.
تلاش مستمر برای پیشرفت	تکرار تمرین و تلاش برای بهبود عملکرد نسبت به گذشته، نشان‌دهنده شکل‌گیری روحیه پیشرفت‌گرایی و خودبهبودبخشی مستمر است.
بازگشت پس از ناکامی	حتی تجربه نیمکت‌نشینی یا کنار گذاشته شدن موقت، در صورت هدایت صحیح، می‌تواند به افزایش پشتکار و تلاش مضاعف برای بازگشت به موقعیت قبلی منجر شود.

سپس محقق سعی بر ترکیب مفاهیم کدهای اولیه کرد. بدین صورت که کدهای اولیه‌ای که بار معنایی یکسان داشتند و به یک مفهوم یکسان اشاره می‌کردند، تحت یک عنوان نامگذاری شدند و مقوله‌بندی انجام شد و ۲۴ مقوله فرعی بدست آمد. بدین صورت کدگذاری باز انجام شد. جدول ۴ مقولات فرعی را نشان می‌دهد.

جدول ۴. کدگذاری باز (مرحله ایجاد مقوله بندی)

مقوله فرعی	کد اولیه
رشد ویژگی‌های فردی	افزایش اعتماد به نفس در فعالیت‌های ورزشی - جرأت‌مندی در تصمیم‌گیری - غلبه بر ترس از شکست
تاب‌آوری و پشتکار	تلاش مستمر برای پیشرفت - بازگشت پس از ناکامی
حل مسئله و تصمیم‌گیری	حل مسائل غیرمنتظره در مسابقات - انتخاب تاکتیک مناسب - تصمیم‌گیری سریع در شرایط رقابتی
تفکر خلاق	ارائه ایده‌های جدید در تمرین - نوآوری در شیوه و تاکتیک‌های بازی - پیشنهاد راه‌حل‌های متفاوت در مواجهه با مسائل پیش‌بینی نشده - استفاده ابتکاری از امکانات و منابع موجود
کار تیمی و همکاری	همکاری با هم‌تیمی‌ها - تقسیم وظایف تیمی - پذیرش نقش‌های مختلف
رهبری و مسئولیت‌پذیری	هدایت تیم در غیاب مربی - پذیرش مسئولیت تمرین - الگو بودن برای دیگران
یادگیری تجربی	یادگیری خارج از محیط کلاس و تمرین رسمی - تمرین مهارت‌ها در موقعیت‌های واقعی و چالش برانگیز - تکرار و بازخورد مستمر برای بهبود یادگیری - انتقال آموخته‌ها به موقعیت‌های جدید و متفاوت
نقش مربی/معلم	تسهیل‌گری معلم تربیت‌بدنی - تشویق به تجربه‌آموزی و اقدام مستقل - ایجاد موقعیت‌های مسئله‌محور - هدایت جهت‌مند به سمت کسب مهارت‌های کارآفرینانه و تیمی
زیرساخت‌های فناورانه	دسترسی به پلتفرم‌های دیجیتال ورزشی - استفاده از اپلیکیشن‌های آموزش مهارت‌های ورزشی - توسعه استارت‌آپ‌های ورزشی مبنی بر فناوری
توانمندسازی مهارت‌های فناورانه	آموزش ایده‌های کسب و کار ورزشی از فضای مجازی - آشنایی با مشاغل ورزشی جدید از طریق اینترنت - تجربه فروش یا تبلیغ محصولات ورزشی به صورت آنلاین
منابع انسانی	تخصص و مهارت مربیان و معلمان - آشنایی معلمان با مفاهیم کارآفرینی - دسترسی به مشاور و یا راهنمای کارآفرینی
منابع فیزیکی و مالی	دسترسی به تجهیزات و وسایل ورزشی - تامین بودجه برای فعالیت‌های ورزشی - کافی بودن امکانات برای همه دانش‌آموزان
نگرش ارزشی	پایبندی به نظم و قوانین - اخلاق‌مداری در رقابت - مسئولیت‌پذیری فردی
خوداتکایی و استقلال	انجام وظایف مستقل - تصمیم‌گیری فردی - اتکا به توانمندی‌های شخصی
آینده‌نگری شغلی	آشنایی با تنوع مشاغل ورزشی - تصور آینده شغلی
فرصت‌آفرینی	ایده‌پردازی اقتصادی در ورزش - تشخیص فرصت‌های نو در ورزش - نگاه اقتصادی به فعالیت‌های ورزشی
طراحی محیط یادگیری	استفاده از فعالیت‌های مسئله‌محور - تلفیق آموزش و ورزش - ایجاد موقعیت‌های شبیه‌سازی شده
بسترهای اجرایی و حمایتی	حمایت مدرسه از کارآفرینی از طریق ورزش - انعطاف‌پذیری برنامه درسی - وجود برنامه‌های فوق برنامه - ارتباط مدرسه با صنعت ورزش - جذب حمایت سازمان‌های غیر انتفاعی برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه - برگزاری کارگاه‌های کارآفرینی
مشارکت رفتاری	پیش‌قدم شدن در انجام فعالیت‌ها - پیگیری و تداوم فعالیت‌ها خارج از زمان رسمی تمرین - ارائه پیشنهاد برای بهبود تمرین یا عملکرد تیم

تلاش برای یادگیری مهارت‌های جدید- تأمل و بازاندیشی درباره عملکرد پس از فعالیت- هدف‌گذاری	مشارکت شناختی و انگیزشی
فردی برای ارتقای سطح عملکرد- تمایل به دستیابی به استانداردهای بالاتر عملکرد	
تمایل به راه‌اندازی فعالیت مستقل- علاقه به خلق ارزش	قصد کارآفرینانه
اعتماد به توان راه‌اندازی کسب‌وکار- آمادگی پذیرش ریسک- برنامه‌ریزی برای آینده شغلی	آمادگی کارآفرینانه
طراحی تجهیزات ورزشی سازگار با محیط زیست- ارائه خدمات ورزشی کم مصرف و پایدار(کاهش مصرف انرژی و منابع)- استفاده از فناوری‌های نوین برای توسعه محصولات ورزشی سبز	نوآوری در محصولات و خدمات ورزشی پایدار
فرصت شغلی برای فارغ‌التحصیلان - توسعه برند شخصی- تقویت خود اشتغالی و راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و نوپا- افزایش درآمدزایی	اشتغال و توسعه حرفه‌ای

سپس مقولات فرعی که بار معنایی و مفاهیم یکسانی داشتند، در یک مجموعه قرار داده شدند و کدگذاری محوری انجام می‌شود. فرایند کدگذاری‌ها (مقولات فرعی) تا جایی انجام شد که دیگر کدها مفاهیم کاملاً مستقل از هم داشتند و زیرمجموعه هم قرار نمی‌گرفتند و کدهای محوری یا همان مقولات اصلی مشخص شدند. جدول ۵، ۱۲ مقوله اصلی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. کدگذاری محوری

مقوله فرعی	مقوله اصلی
رشد ویژگی‌های فردی	توانمندسازی فردی دانش‌آموزان از طریق ورزش
تاب‌آوری و پشتکار	
حل مسئله و تصمیم‌گیری	توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه
تفکر خلاق	
کار تیمی و همکاری	اجتماعی‌شدن کارآفرینانه در بستر ورزش
رهبری و مسئولیت‌پذیری	
یادگیری تجربی	کنش محور مدرسه‌ای
نقش مربی/معلم	
زیرساخت‌های فناورانه	فناوری توسعه محور
توانمندسازی مهارت‌های فناورانه	
منابع انسانی	منابع و امکانات
منابع فیزیکی و مالی	
نگرش ارزشی	شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌های کارآفرینانه
خوداتکایی و استقلال	
آینده‌نگری شغلی	ادراک فرصت‌های شغلی در ورزش
فرصت‌آفرینی	
طراحی محیط یادگیری	راهبردهای آموزشی-ورزشی مدرسه‌ای
بسترهای اجرایی و حمایتی	
مشارکت رفتاری	مشارکت فعال دانش‌آموزان
مشارکت شناختی و انگیزشی	
قصد کارآفرینانه	جهت‌گیری کارآفرینانه پایدار
آمادگی کارآفرینانه	
نوآوری در محصولات و خدمات ورزشی پایدار	توسعه اقتصاد پایدار
اشتغال و توسعه حرفه‌ای	

در کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها صورت گرفت. به عبارتی دیگر یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری انتخاب گردید، به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده شد، آن روابط اثبات گردیدند و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز داشتند، تکمیل گردیدند. بنابراین، مقوله محوری، بخش بسیار مهمی از یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست.

در جداول ۶ شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مدل پارادایمی آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در بین دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار ارائه گردیده است.

جدول ۶. شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مدل پارادایمی آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در بین دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار

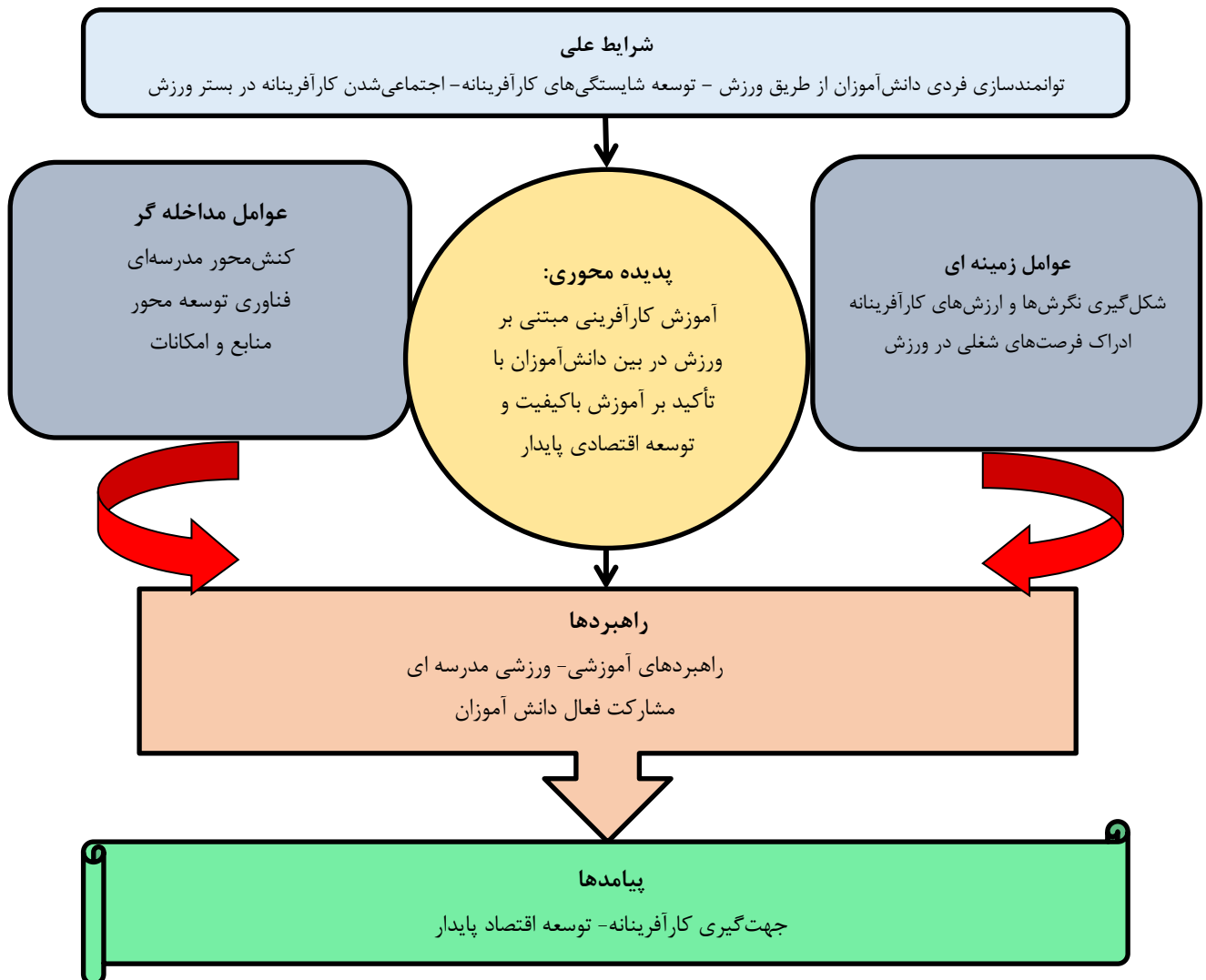
کدهای باز	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	کدگذاری انتخابی
۱. افزایش اعتمادبه‌نفس در فعالیتهای ورزشی	رشد ویژگی‌های فردی	توانمندسازی دانش‌آموزان	
۲. جرأت‌مندی در تصمیم‌گیری			
۳. غلبه بر ترس از شکست			
۴. تلاش مستمر برای پیشرفت	تاب‌آوری و پشتکار		شرایط علی
۵. بازگشت پس از ناکامی			
۶. حل مسائل غیرمنتظره در مسابقات	حل مسئله و تصمیم‌گیری		
۷. انتخاب تاکتیک مناسب			توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه
۸. تصمیم‌گیری سریع در شرایط رقابتی			
۹. ارائه ایده‌های جدید در تمرین	تفکر خلاق		
۱۰. نوآوری در شیوه و تاکتیک‌های بازی			
۱۱. پیشنهاد راه‌حل‌های متفاوت در مواجهه با مسائل پیش‌بینی نشده			
۱۲. استفاده ابتکاری از امکانات و منابع موجود			
۱۳. همکاری با هم‌تیمی‌ها	کار تیمی و همکاری		اجتماعی شدن کارآفرینانه در بستر ورزش
۱۴. تقسیم وظایف تیمی			
۱۵. پذیرش نقش‌های مختلف			
۱۶. هدایت تیم در غیاب مربی	رهبری و مسئولیت‌پذیری		
۱۷. پذیرش مسئولیت تمرین			
۱۸. الگو بودن برای دیگران			

۱۹. یادگیری خارج از محیط کلاس و			
تمرین رسمی			
۲۰. تمرین مهارت‌ها در موقعیت‌های واقعی	یادگیری تجربی		
و چالش برانگیز			
۲۱. تکرار و بازخورد مستمر برای بهبود			
یادگیری		کنش محوری مدرسه	
۲۲. انتقال آموخته‌ها به موقعیت‌های جدید			
و متفاوت			
عوامل مداخله‌گر			
۲۳. تسهیل‌گری معلم تربیت‌بدنی			
۲۴. تشویق به تجربه‌آموزی و اقدام مستقل			
۲۵. ایجاد موقعیت‌های مسئله‌محور	نقش مربی/معلم		
۲۶. هدایت جهت‌مند به سمت کسب			
مهارت‌های کارآفرینانه و تیمی			
۲۷. دسترسی به پلتفرم‌های دیجیتال			
ورزشی			
۲۸. استفاده از اپلیکیشن‌های آموزش	زیرساخت‌های فناورانه		
مهارت‌های ورزشی			
۲۹. توسعه استارت‌آپ‌های ورزشی مبنی بر		فناوری توسعه محور	
فناوری			
۳۰. آموزش ایده‌های کسب و کار ورزشی از			
فضای مجازی	توانمندسازی	مهارت‌های	
۳۱. آشنایی با مشاغل ورزشی جدید از	فناورانه		
طریق اینترنت			
۳۲. تجربه فروش یا تبلیغ محصولات			
ورزشی به صورت آنلاین			
۳۳. تخصص و مهارت مربیان و معلمان			
۳۴. آشنایی معلمان با مفاهیم کارآفرینی	منابع انسانی	منابع و امکانات	
۳۵. دسترسی به مشاور و یا راهنمای			
کارآفرینی			
۳۶. دسترسی به تجهیزات و وسایل ورزشی	منابع فیزیکی و مالی		
۳۷. تامین بودجه برای فعالیت‌های ورزشی			
۳۸. کافی بودن امکانات برای همه دانش			
آموزان			

۳۹. پایبندی به نظم و قوانین	نگرش ارزشی	شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌های کارآفرینانه	
۴۰. اخلاق‌مداری در رقابت			
۴۱. مسئولیت‌پذیری فردی			
۴۲. انجام وظایف مستقل	خوداتکایی و استقلال		عوامل زمینه‌ای
۴۳. تصمیم‌گیری فردی			
۴۴. اتکا به توانمندی‌های شخصی			
۴۵. آشنایی با تنوع مشاغل ورزشی	آینده‌نگری شغلی		
۴۶. تصور آینده شغلی			
۴۷. ایده‌پردازی اقتصادی در ورزش	فرصت‌آفرینی	ادراک فرصت‌های شغلی در ورزش	
۴۸. تشخیص فرصت‌های نو در ورزش			
۴۹. نگاه اقتصادی به فعالیت‌های ورزشی			
۵۰. استفاده از فعالیت‌های مسئله‌محور	طراحی محیط یادگیری		
۵۱. تلفیق آموزش و ورزش			
۵۲. ایجاد موقعیت‌های شبیه‌سازی‌شده			
۵۳. حمایت مدرسه از کارآفرینی از طریق ورزش	بسترهای اجرایی و حمایتی	راهبردهای آموزشی-ورزشی	راهبردهای مدرسه‌ای
۵۴. انعطاف‌پذیری برنامه درسی			
۵۵. وجود برنامه‌های فوق برنامه			
۵۶. ارتباط مدرسه با صنعت و ورزش			
۵۷. جذب حمایت سازمان‌های غیر انتفاعی			
برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه			
۵۸. برگزاری کارگاه‌های کارآفرینی			
۵۹. پیش‌قدم شدن در انجام فعالیت‌ها	مشارکت رفتاری		
۶۰. پیگیری و تداوم فعالیت‌ها خارج از زمان رسمی تمرین			
۶۱. ارائه پیشنهاد برای بهبود تمرین یا عملکرد تیم			
۶۲. تلاش برای یادگیری مهارت‌های جدید	مشارکت شناختی و انگیزشی	مشارکت فعال دانش‌آموزان	
۶۳. تأمل و بازاندیشی درباره عملکرد پس از فعالیت			
۶۴. هدف‌گذاری فردی برای ارتقای سطح عملکرد			
۶۵. تمایل به دستیابی به استانداردهای بالاتر عملکرد			

۶۶. تمایل به راه اندازی فعالیت مستقل ۶۷. علاقه به خلق ارزش	قصد کارآفرینانه	
۶۸. اعتماد به توان راه اندازی کسب و کار ۶۹. آمادگی پذیرش ریسک ۷۰. برنامه ریزی برای آینده شغلی	آمادگی کارآفرینانه	جهت گیری کارآفرینانه پیامدها
۷۱. طراحی تجهیزات ورزشی سازگار با محیط زیست ۷۲. ارائه خدمات ورزشی کم مصرف و پایدار (کاهش مصرف انرژی و منابع) ۷۳. استفاده از فناوری های نوین برای توسعه محصولات ورزشی سبز	نوآوری در محصولات و خدمات ورزشی پایدار	
۷۴. فرصت شغلی برای فارغ التحصیلان ۷۵. توسعه برند شخصی ۷۶. تقویت خوداشتغالی و راه اندازی کسب و کارهای ورزشی کوچک و نوپا ۷۷. افزایش درآمدزایی	اشتغال و توسعه حرفه ای	توسعه اقتصاد پایدار

در شکل ۱، کدگذاری انتخابی طبق مدل پارادایمی آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در بین دانش آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار را نشان می دهد.



شکل ۱. مدل پارادایمی آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در بین دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

بر اساس مدل به‌دست‌آمده، مقوله محوری پژوهش «آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش در دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش باکیفیت و توسعه اقتصادی پایدار» است که سایر مقولات پیرامون آن به‌صورت نظام‌مند شکل گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد ورزش مدرسه‌ای می‌تواند بستری پویا برای تحقق آموزش باکیفیت از طریق یادگیری تجربه‌محور، تعاملی و مهارت‌محور فراهم کند. همچنین نتایج مدل پارادایمی بیانگر آن است که تعامل شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، منجر به شکل‌گیری کنش‌ها و راهبردهای آموزشی در بستر ورزش می‌شود؛ راهبردهایی که از طریق فعالیت‌های عملی و مشارکتی، کیفیت یادگیری و اثربخشی آموزش کارآفرینی را ارتقا می‌دهند. در نهایت، پیامد این فرایند در دو سطح قابل مشاهده است: نخست، تقویت جهت‌گیری کارآفرینانه شامل قصد و آمادگی کارآفرینانه در دانش‌آموزان؛ و دوم،

دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار از طریق نوآوری، اشتغال‌زایی و توسعه حرفه‌ای در حوزه ورزش. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد بهره‌گیری از ظرفیت ورزش در آموزش می‌تواند پیوندی میان آموزش باکیفیت و توسعه پایدار ایجاد کرده و زمینه پرورش نسل کارآفرین و توانمند را فراهم سازد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که ورزش با تقویت ویژگی‌های شخصیتی مانند تاب‌آوری، پشتکار و خودباوری موجب توانمندسازی دانش‌آموزان می‌شود و این توانمندسازی زمینه‌ساز شکل‌گیری مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه و همچنین آمادگی آنان برای مواجهه با چالش‌ها و تصمیم‌گیری‌های پیچیده است. در همین راستا، پلتیر و اسکوتتی^۱ (۲۰۱۰) تأکید می‌کنند که برخی ویژگی‌های شخصیتی کلیدی نقش اساسی در شکل‌گیری رفتارهای کارآفرینانه دارند و می‌توانند افراد مستعد را از سایر افراد متمایز سازند. همچنین اوراگینی و لاکال^۲ (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که مجموعه‌ای از صفات شخصیتی فراتر از نگرش کارآفرینانه، در جهت‌دهی به رفتارهای کارآفرینانه مؤثر بوده و از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ریسک‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، مسئولیت‌پذیری، تعهد و برون‌گرایی اشاره کرد. نتایج این بخش پژوهش با یافته‌های راتن (۲۰۱۱) و راتن و جونز (۲۰۲۱) همسو است.

یافته پژوهش نیز نشان داد که فعالیت‌های ورزشی با قرار دادن دانش‌آموزان در موقعیت‌های حل مسئله، تفکر خلاق، تصمیم‌گیری و آزمون و خطا، موجب تقویت شایستگی‌های کارآفرینانه و توسعه مهارت‌های شناختی و راهبردی آنان می‌شود. در این زمینه، یوبیک^۳ (۲۰۲۵) نشان داد که توسعه شایستگی کارآفرینانه در دانشجویان علوم ورزشی از طریق آموزش مناسب، نقش مهمی در ارتقای توانایی‌های حرفه‌ای آنان دارد و این شایستگی‌ها شامل توانایی به‌کارگیری دانش، مهارت و تجربه در فعالیت‌های حرفه‌ای و کارآفرینانه و انتخاب راهبردهای مناسب متناسب با شرایط زمانی و مکانی است. همچنین مولدووان^۴ (۲۰۲۰) بیان می‌کند که شایستگی کارآفرینانه ترکیبی از دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های عملی است که فرد را برای موفقیت در فعالیت‌های حرفه‌ای و اقتصادی آماده می‌سازد.

از دیگر یافته‌های پژوهش این بود که ورزش موجب اجتماعی‌شدن کارآفرینانه دانش‌آموزان از طریق تقویت مهارت‌های کار تیمی، رهبری، مسئولیت‌پذیری و ارتباط مؤثر می‌شود. در همین راستا، راتن^۵ (۲۰۱۱) ورزش را یک بستر اجتماعی مؤثر برای توسعه مهارت‌های کارآفرینانه دانسته و تأکید می‌کند که کار تیمی، تعامل و رقابت در فعالیت‌های ورزشی، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای کارآفرینانه دارد. نتایج این بخش پژوهش با یافته‌های هابر (۲۰۱۴)، (۲۰۱۱)، ساپتونو و همکاران (۲۰۲۱) و اندو و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. در تفسیر این یافته می‌توان بیان کرد که ورزش به‌عنوان یک محیط تعاملی و گروه‌محور، فرصت‌های واقعی برای تجربه نقش‌های اجتماعی فراهم می‌سازد و از این طریق به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های نرم موردنیاز کارآفرینی را در عمل تمرین و درونی‌سازی کنند. بنابراین، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه در میان دانش‌آموزان شود.

¹. Peltier & Scovotti

². Oragwuini & Lcal

³. Ubovic

⁴. Moldovan

⁵. Ratten

همچنین یافته نشان داد که ورزش مدرسه‌ای به‌عنوان یک محیط کنش‌محور، یادگیری تجربی را از طریق فعالیت عملی، آزمون و خطا و بازاندیشی تقویت می‌کند و زمینه انتقال مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه به موقعیت‌های واقعی زندگی را فراهم می‌سازد. در این راستا، واردانا و همکاران (۲۰۲۰) بیان می‌کنند که تغییر رویکرد آموزش از معلم‌محور به یادگیرنده‌محور، تفکر انتقادی و توانمندی‌های کارآفرینانه را تقویت می‌کند. همچنین فارنی^۱ و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند که آموزش مبتنی بر پروژه و تجربه عملی، در مقایسه با آموزش صرفاً نظری، نقش مؤثرتری در توسعه مهارت‌ها و توانمندی‌های کارآفرینانه دارد. نتایج این بخش پژوهش با یافته‌های آتموجو و همکاران (۲۰۱۹) و ویکلوندو همکاران (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تعاملات گروهی و تجربه فعالیت‌های رقابتی در ورزش، زمینه یادگیری مهارت‌های همکاری و رهبری را فراهم می‌کند که از عوامل کلیدی موفقیت در رفتارهای کارآفرینانه هستند.

یافته‌ها نشان داد که فناوری توسعه‌محور در بستر ورزش مدرسه‌ای نقش مؤثری در ارتقای کیفیت آموزش کارآفرینی دارد و با فراهم کردن دسترسی به ابزارهای دیجیتال و محتوای آموزشی آنلاین، زمینه یادگیری تعاملی، خلاق و فرصت‌محور را ایجاد می‌کند. در این راستا، هیگینز^۲ و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که استفاده هدفمند از فناوری‌های آموزشی می‌تواند کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی را به‌طور معناداری بهبود دهد، به‌ویژه زمانی که در خدمت یادگیری فعال و حل مسئله قرار گیرد. همچنین جرج^۳ و همکاران (۲۰۲۰) بیان کردند که فناوری‌های دیجیتال با ایجاد بسترهای تعاملی و داده‌محور، موجب ارتقای نوآوری، بهبود تصمیم‌گیری و توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه شده و کیفیت آموزش کارآفرینی را تقویت می‌کنند. در تفسیر این یافته می‌توان بیان کرد که فناوری‌های توسعه‌محور، زمینه آشنایی افراد با الگوهای نوین کسب‌وکارهای ورزشی و امکان آزمون و ارزیابی ایده‌ها در بسترهای مجازی را فراهم می‌کنند. این فناوری‌ها با تسهیل دسترسی به منابع آموزشی و اطلاعات تخصصی، به تقویت مهارت‌های کارآفرینانه، افزایش خلاقیت و گسترش فرصت‌های یادگیری کمک کرده و بستر مناسبی برای شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم می‌سازند.

یافته‌ها نشان داد که منابع و امکانات شامل منابع انسانی، فیزیکی و مالی از عوامل کلیدی در موفقیت آموزش کارآفرینی در بستر ورزش هستند. در همین راستا، نبی^۴ و همکاران (۲۰۱۷) تأکید می‌کنند که اثربخشی آموزش کارآفرینی به کیفیت منابع آموزشی، حمایت مالی، امکانات فیزیکی و حضور مدرسین متخصص وابسته است. همچنین فایلو و گایلی^۵ (۲۰۱۵) نشان دادند که موفقیت این نوع آموزش علاوه بر محتوای آموزشی، به منابع انسانی، زیرساخت‌های فیزیکی و حمایت‌های نهادی و مالی نیز بستگی دارد و این عوامل نقش مهمی در تبدیل آموزش به شایستگی کارآفرینانه دارند. نتایج این بخش پژوهش با یافته‌های ساپتونو و همکاران (۲۰۲۱) و اندو و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. در تفسیر این یافته می‌توان گفت که وجود تجهیزات مناسب، فضای ورزشی استاندارد و نیروی انسانی توانمند، اجرای مؤثر برنامه‌های

¹. Farny et al

². Higgins et al

³. George et al

⁴. Nabi et al

⁵. Fayolle & Gailly

آموزشی را ممکن می‌سازد، در حالی که کمبود یا توزیع نامتوازن این منابع موجب کاهش اثربخشی و محدود شدن فرصت‌های یادگیری می‌شود.

یافته‌ها نشان داد که ورزش در بعد نگرشی و ارزشی، موجب شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌های اخلاقی مانند اخلاق‌مداری، پایبندی به قوانین، احترام به دیگران و مسئولیت‌پذیری می‌شود و از این طریق دانش‌آموزان را با اصول لازم برای رفتارهای کارآفرینانه و حرفه‌ای آشنا می‌سازد. در همین راستا، پژوهشگران بیان می‌کنند که کارآفرینی می‌تواند با تقویت دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های اخلاقی و هنجاری، زمینه شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری و نگرش‌های کارآفرینانه را فراهم کند و از طریق ترکیب عوامل شناختی و انگیزشی، به تقویت قصد کارآفرینانه و شکوفایی ظرفیت‌های بالقوه افراد منجر شود (پونی^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ نک و گرینه^۲، ۲۰۱۱). نتایج این بخش پژوهش با یافته‌های ساپتونو و همکاران (۲۰۲۱)، اندو و همکاران (۲۰۱۸) و راتن (۲۰۱۱) همسو است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که «ادراک فرصت‌های شغلی در ورزش» دارای دو بعد «آینده‌نگری شغلی» و «فرصت شغلی» است. آینده‌نگری شغلی به درک و تصور روشن دانش‌آموزان از مسیرهای شغلی آینده در حوزه ورزش و ارتباط آن با علایق و توانمندی‌های فردی اشاره دارد، در حالی که فرصت شغلی بر شناسایی موقعیت‌های اقتصادی، ایده‌پردازی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های درآمدزای ورزش تأکید می‌کند. در این راستا، حرفه‌ای‌سازی ورزش می‌تواند زمینه‌آشنایی دانش‌آموزان با مشاغل ورزشی و تقویت نگاه اقتصادی و کارآفرینانه را فراهم سازد. در همین زمینه، راتن (۲۰۱۱) بیان می‌کند که ورزش به‌عنوان یک صنعت روبه‌رشد، فرصت‌های متنوع شغلی و اقتصادی ایجاد می‌کند و می‌تواند به توسعه نگرش‌های کارآفرینانه و شناسایی فرصت‌ها منجر شود. همچنین جونز و جونز^۳ (۲۰۱۴) دریافتند که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و قرار گرفتن در محیط‌های حرفه‌ای، موجب افزایش آگاهی شغلی، تقویت مهارت‌های تصمیم‌گیری و شکل‌گیری هویت شغلی و کارآفرینانه در افراد می‌شود. نتایج این بخش پژوهش با یافته‌های موستاکاس و رینارد (۲۰۲۳) و راتن و تورکال (۲۰۲۰) همسو است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که راهبردهای آموزشی ورزشی در مدارس شامل دو مؤلفه «طراحی محیط یادگیری» و «ایجاد بسترهای اجرایی و حمایتی» است. از سوی دیگر، فراهم‌سازی بسترهای اجرایی و حمایتی مانند حمایت مدرسه، انعطاف‌پذیری برنامه درسی، اجرای برنامه‌های فوق‌برنامه، ارتباط با صنعت ورزش و برگزاری کارگاه‌های کارآفرینی، زمینه بروز خلاقیت و عملیاتی‌شدن ایده‌ها را تقویت می‌کند. در همین راستا، اوکانسی^۴ و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که برنامه‌های ورزشی ساختارمند و مبتنی بر تجربه می‌توانند به توسعه مهارت‌های کارآفرینانه در نوجوانان کمک کنند. همچنین گونزالز سرنانو^۵ و همکاران (۲۰۲۳) تأکید کردند که محیط‌های آموزشی و حمایتی، از جمله فضای یادگیری مناسب و حمایت نهادی، نقش معناداری در شکل‌گیری قصد کارآفرینانه و تسهیل ورود به فعالیت‌های کارآفرینانه دارند. نتایج این بخش پژوهش با یافته‌های لینداستورم (۲۰۱۳) و حسین و نوراشیده (۲۰۱۵) همسو است. در تفسیر این یافته می‌توان گفت که این راهبردها زمانی اثربخش هستند که یادگیری از حالت نظری به سمت تجربه‌های عملی،

1. Puni et al

2. Neck & Greene

3. Jones و Jones

4. Ocansey et al

5. González-Serrano et al

مسئله محور و تعاملی سوق یابد و از طریق فعالیت های ورزشی، شبیه سازی موقعیت های واقعی و درگیر کردن دانش آموزان در فرایند حل مسئله، زمینه تقویت مهارت های کارآفرینانه فراهم شود.

یکی دیگر از یافته های مهم، مشارکت فعال دانش آموزان در بعد رفتاری و شناختی بود. در همین زمینه، پژوهشگران معتقدند که دوره کودکی و سال های ابتدایی تحصیل، حساس ترین مرحله برای شکل گیری الگوهای ذهنی مرتبط با خلاقیت، نوآوری و ریسک پذیری است؛ زیرا در این دوره، یادگیری بیشتر از طریق تجربه، مشاهده و تعامل صورت می گیرد. بنابراین، اگر آموزش کارآفرینی در قالب فعالیت های عملی و تجربه محور ارائه شود، می تواند تأثیر عمیق تری بر شکل گیری نگرش های کارآفرینانه و رفتاری در دانش آموزان داشته باشد (سپتنو، ۲۰۲۱؛ هابر، ۲۰۱۴). نتایج این بخش پژوهش با یافته های کریکود و همکاران (۲۰۱۴)، و حسین و نوراشیده (۲۰۱۵) و واردانا و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تفسیر این یافته می توان گفت که مشارکت فعال پیش شرط تحقق تمام اثرات فوق است و موجب یادگیری عمیق، تقویت مهارت ها و شکل گیری نگرش های کارآفرینانه می شود. لذا آموزش کارآفرینی در سنین پایین، به ویژه در دوره ابتدایی، نقشی بنیادین در شکل دهی نگرش ها، باورها و رفتارهای کارآفرینانه دارد.

در بخش پیامدها، یافته ها نشان داد که جهت گیری کارآفرینانه در ورزش مدرسه ای از طریق دو بعد «قصد کارآفرینانه» و «آمادگی کارآفرینانه» به توسعه اقتصاد پایدار منجر می شود. در همین راستا، راج و هالسینک^۱ (۲۰۱۵) بیان می کنند که آموزش کارآفرینی به طور مستقیم بر قصد و آمادگی کارآفرینانه اثر گذاشته و احتمال ورود افراد به خوداشتغالی و کسب و کار را افزایش می دهد. همچنین تقویت نگرش کارآفرینانه در محیط های آموزشی، به تبدیل دانش به رفتار و توسعه اشتغال زایی کمک می کند. در همین راستا، راتن (۲۰۱۱) ورزش را به عنوان صنعتی پویا، بستری مناسب برای نوآوری و ایجاد فرصت های اقتصادی معرفی کرده و تأکید می کند که ترکیب ورزش و کارآفرینی می تواند به خلق ارزش، توسعه خدمات جدید و رشد پایدار اقتصادی از طریق نوآوری در محصولات و خدمات ورزشی منجر شود. نتایج این بخش پژوهش با یافته های بوتساریس و وامواکا (۲۰۱۶)، داویس و همکاران (۲۰۱۵) و واردانا و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تفسیر این یافته می توان گفت که قصد کارآفرینانه به تمایل ذهنی دانش آموزان برای ورود به فعالیت های اقتصادی و آمادگی کارآفرینانه به سطح مهارت و توانایی اجرای ایده ها اشاره دارد. ترکیب این دو بعد از طریق آموزش های عملی و تجربه های ورزشی، زمینه تبدیل ایده به عمل، نوآوری و اشتغال زایی را فراهم می سازد.

در نهایت می توان گفت که ورزش مدرسه ای می تواند فراتر از یک فعالیت جسمانی و تفریحی عمل کند و به عنوان ابزاری آموزشی چندبعدی و تجربه محور، فرصت های گسترده ای برای توسعه مهارت ها، نگرش ها و شایستگی های دانش آموزان فراهم آورد. اجرای هدفمند و برنامه ریزی شده ورزش در مدارس، امکان یادگیری فعال و کنش محور را ایجاد می کند که دانش آموزان از طریق آن، مهارت های تفکر خلاق، حل مسئله، مسئولیت پذیری و همکاری را به صورت عملی کسب می کنند و آماده مواجهه با چالش ها و فرصت های زندگی واقعی می شوند. این رویکرد آموزشی با هدف چهارم توسعه پایدار، یعنی تضمین آموزش فراگیر، منصفانه و باکیفیت و فرصت های یادگیری مادام العمر برای همه، همسو است. ورزش مدرسه ای، علاوه بر ارتقای مهارت های فردی، زمینه ایجاد محیط یادگیری پویا و مشارکتی را فراهم می کند که کیفیت و عدالت آموزشی را افزایش می دهد و به پرورش نسل توانمند و خلاق کمک می کند. دانش آموزان در چنین محیطی می آموزند چگونه تفکر نقادانه و خلاق داشته باشند و مهارت های کاربردی را به شیوه ای پایدار کسب

^۱. Rauch & Hulsink

کنند. همچنین، این رویکرد با هدف هشتم توسعه پایدار، یعنی ترویج رشد اقتصادی پایدار، تولید اشتغال فراگیر و کار شایسته برای همه مرتبط است. ورزش مدرسه‌ای، ضمن ایجاد مهارت‌های حرفه‌ای، اجتماعی و کارآفرینانه، دانش آموزان را برای مواجهه با فرصت‌های اقتصادی و نقش‌آفرینی مؤثر در جامعه آماده می‌سازد. این فرآیند، توانمندسازی دانش آموزان در مسیر کارآفرینی و فعالیت‌های اقتصادی آینده را تقویت می‌کند و زمینه رشد اقتصادی و مشارکت فعال در جامعه را فراهم می‌آورد. در مجموع، می‌توان گفت که ادغام ورزش مدرسه‌ای با آموزش هدفمند، یک راهبرد جامع و پایدار آموزشی است که هم به توسعه کیفیت یادگیری و مهارت‌های فردی دانش آموزان می‌انجامد و هم آنان را برای ورود مؤثر به محیط‌های حرفه‌ای و اقتصادی آماده می‌سازد. این رویکرد می‌تواند نقش مهمی در تربیت نسل آینده‌ای توانمند، خلاق، مسئول و فعال در جامعه ایفا کند و با اهداف جهانی توسعه پایدار، هماهنگ باشد.

با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادات ذیل جهت ارتقا آموزش کارآفرینی از طریق ورزش پیشنهاد می‌گردد:

- مدارس می‌توانند فعالیت‌های ورزشی را به گونه‌ای طراحی کنند که دانش آموزان علاوه بر تقویت مهارت‌های جسمانی، در موقعیت‌های حل مسئله، تفکر خلاق و تصمیم‌گیری عملی قرار گیرند، برای مثال از طریق برگزاری مسابقات یا پروژه‌های ورزشی با محوریت مدیریت منابع، برنامه‌ریزی و همکاری تیمی، مهارت‌های کارآفرینی و تجربه عملی در دانش آموزان تقویت می‌شود.

- تربیت و توانمندسازی معلمان و مربیان در حوزه مهارت‌های کارآفرینی ضروری است تا بتوانند محیط یادگیری فعال و مشارکتی ایجاد کنند، دانش آموزان را هدایت کرده و بازخورد مستمر ارائه دهند و بدین ترتیب یادگیری عمیق و مؤثر تحقق یابد.

- ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت فعال دانش آموزان در طراحی، اجرا و ارزیابی فعالیت‌های ورزشی، موجب افزایش انگیزه، تقویت مهارت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری و شکل‌گیری جهت‌گیری کارآفرینانه آنان می‌شود و یادگیری را پایدار و ملموس می‌کند.

- فعالیت‌های ورزشی می‌توانند با فراهم کردن تجربه‌های اقتصادی و حرفه‌ای برای دانش آموزان، مانند برگزاری رویدادهای ورزشی درآمدزا، مدیریت منابع یا ایجاد باشگاه‌های مدرسه‌ای کوچک، مهارت‌های کارآفرینی و تفکر اقتصادی آنان را تقویت کرده و آنان را برای مشارکت فعال در اقتصاد آینده آماده سازند.

- توسعه همکاری میان مدارس، باشگاه‌های ورزشی، کارآفرینان و کسب‌وکارهای محلی می‌تواند زمینه آشنایی دانش آموزان با فرصت‌های واقعی کارآفرینی در حوزه ورزش را فراهم کند. برگزاری بازدیدهای آموزشی، کارگاه‌های تخصصی، برنامه‌های کارآموزی و نشست‌های مشترک با فعالان اقتصادی و ورزشی، موجب تقویت نگرش کارآفرینانه، افزایش آگاهی شغلی و درک بهتر دانش آموزان از فرصت‌های اقتصادی مرتبط با صنعت ورزش خواهد شد.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به اجرای آن در بستر زمانی و مکانی مشخص اشاره کرد که ممکن است بر تعمیم نتایج به سایر نظام‌های آموزشی با شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت تأثیرگذار باشد. همچنین، به دلیل تمرکز پژوهش بر طراحی مدل آموزش کارآفرینی مبتنی بر ورزش، امکان بررسی و ارزیابی عملی تمامی ابعاد مدل در محیط‌های واقعی آموزشی فراهم نبوده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، مدل ارائه‌شده در سطوح مختلف تحصیلی و مناطق گوناگون مورد آزمون و اعتبارسنجی قرار گیرد تا میزان اثربخشی و قابلیت اجرای آن در شرایط مختلف آموزشی مشخص شود.

منابع

- ستوده، محمدرضا؛ مدرسی، میثم. (۱۴۰۰). ارائه الگوی برنامه آموزشی کارآفرینی برای کودکان پیش‌دبستانی در ایران بر اساس طبقه‌بندی بلوم. توسعه کارآفرینی، ۱۴ (۴)، صص ۶۵۵-۶۳۹.
- طغریایی، محمدتقی، میرواحدی، سید سعید؛ هاشمی، سمیه. (۱۳۹۸). طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدرسه. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۸ (۷۱)، صص ۸۲-۵۹.

References:

- Atmojo, I.R.W., Sajidan, S., Sunarno, W., Ashadi, A., (2019). Improving the entrepreneurship competence of pre-service elementary teachers on professional education program through the skills of disruptive innovators. *Element. Educ. Online* 18 (3). <http://ilkogretimonline.org.tr/index.php/io/article/view/2950/2606>.
- Botsaris, C., Vamvaka, V., (2016). Attitude toward entrepreneurship: structure, prediction from behavioral beliefs, and relation to entrepreneurial intention. *J. Knowledge Econom.* 7 (2), 433-460.
- Cooper, A., (2015). Nature and the outdoor learning environment: the forgotten resource in early childhood education. *Int. J. Early Childh. Environ. Educ.* 3 (1), 85-97.
- Davis, M.H., Hall, J.A., Mayer, P.S., (2015). Consulting psychology journal: practice and research developing A new measure of entrepreneurial mindset: reliability, validity, and implications for practitioners developing A new measure of entrepreneurial mindset: reliability, validity, and implication, 67 (4), 1-28.
- Farny, S., Frederiksen, S.H., Hannibal, M., Jones, S., (2016). A culture of entrepreneurship education. *Enterpren. Reg. Dev.* 28 (7-8), 514-535.
- Fayolle, A., & Gailly, B. (2015). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial attitudes and intention: Hysteresis and persistence. *Journal of Small Business Management*, 53(1), 75-93. <https://doi.org/10.1111/jsbm.12065>
- George, G., Merrill, R. K., & Schillebeeckx, S. J. D. (2020). Digital sustainability and entrepreneurship: How digital innovations are helping tackle climate change and sustainable development. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 45(1), 1042258719899425. <https://doi.org/10.1177/1042258719899425>
- González-Serrano, M. H., Valantine, I., Matić, R., Milovanović, I., Sushko, R., & Calabuig, F. (2023). Determinants of entrepreneurial intentions in European sports science students: Towards the development of future sports entrepreneurs. *European Research on Management and Business Economics*, 29(3), 100229. <https://doi.org/10.1016/j.iedeen.2023.100229>
- Higgins, S., Xiao, Z., & Katsipatakis, M. (2012). The impact of digital technology on learning: A summary for the education endowment foundation. *Education Endowment Foundation*.
- Huber, L.R., Sloof, R., Van Praag, M., (2014). The effect of early entrepreneurship education: evidence from a field experiment. *Eur. Econ. Rev.* 72, 76-97. Johansen, V., Schanke, T., 2013. Entrepreneurship education in secondary education and training. *Scand. J. Educ. Res.* 57 (4), 357-368.
- Hussain, A., Norashidah, D., (2015). Impact of entrepreneurial education on entrepreneurial intentions of Pakistani students. *J. Enterpren. Bus. Innovat.* 2 (1), 43.
- International Labour Organization. (2020). *Global employment trends for youth 2020: Technology and the future of jobs*. Geneva: ILO. https://www.ilo.org/global/publications/books/WCMS_737648/lang--en/index.htm.
- Johansen, V., Schanke, T., (2013). Entrepreneurship education in secondary education and training. *Scand. J. Educ. Res.* 57 (4), 357-368.

- Jones, P., & Jones, A. (2014). Attitudes of sports development and sports management students towards entrepreneurship. *Education + Training*, 56(8/9), 716–732. <https://doi.org/10.1108/ET-06-2014-0060>
- Khan, M., Bell, S., McGeown, S., de Oliveira, E.S., (2019). Designing an outdoor learning environment for and with a primary school community: a case study in Bangladesh. *Landsc. Res.* 45 (1), 1–16.
- Kirkwood, J., Dwyer, K., Gray, B., (2014). Students' reflections on the value of an entrepreneurship education. *Int. J. Manag. Educ.* 12 (3), 307–316.
- Lindstrom, L., (2013). What do children learn at Swedish preschools? *Int. Educ. Stud.* 6 (4), 236–250.
- Moldovan, A. (2020). Entrepreneurial competence in the field of physical culture and sports: content and essential features. *ScienceRise: Pedagogical Education*, (1 (34), 36–40. <https://doi.org/10.15587/2519-4984.2020.191046>
- Moustakas, L., Reynard, S. (2023). Sport as a Vehicle for Entrepreneurship Education: Approaches and Future Directions. In: Block, J.H., Halberstadt, J., Högsdal, N., Kuckertz, A., Neergaard, H. (eds) *Progress in Entrepreneurship Education and Training*. FGF Studies in Small Business and Entrepreneurship. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-28559-2_19
- Nabi, G., Liñán, F., Fayolle, A., Krueger, N., & Walmsley, A. (2017). The impact of entrepreneurship education in higher education: A systematic review and research agenda. *Academy of Management Learning & Education*, 16(2), 277–299. <https://doi.org/10.5465/amle.2015.0026>
- Ndou, V., Secundo, G., Schiuma, G., Passiante, G., (2018). Insights for shaping entrepreneurship education: evidence from the European entrepreneurship centers. *Sustainability* 10 (11), 4323.
- Neck, H. and Greene, P. (2011), “Entrepreneurship education: known worlds and new frontiers”, *Journal of Small Business Management*, Vol. 49 No. 1, pp. 55-70.
- Nowinski, W., Haddoud, M.Y., Lan_cari_c, D., Egerov_a, D., Czepl_ed, C., (2019). The impact of entrepreneurship education, entrepreneurial self-efficacy and gender on entrepreneurial intentions of university students in the Visegrad countries. *Stud. High. Educ.* 44 (2), 361–379.
- Ocansey, R. T.-A., Nyawornota, V. K., Adamba, C., Tay, D. A., Musah, K., Nyanyofio, O. C. N., Malete, L., & McCole, D. (2023). Promoting development of entrepreneurial skills of youth in Ghana through a structured sport intervention program. *Frontiers in Education*, 8, 1135084. <https://doi.org/10.3389/feduc.2023.1135084>
- Ouragini, I., & Lakhal, L. (2019). The mediating role of entrepreneurial marketing education. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 7(2), 1–9.
- Peltier, J. W., & Scovotti, C. (2010). Enhancing entrepreneurial marketing education: The student perspective. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 17 (4), 514–536.
- Puni A, Anlesinya A, Korsorku PDA. (2018) Entrepreneurial education, self-efficacy and intentions in Sub-Saharan Africa. *African Journal of Economic and Management Studies*. 9(3):1–21.
- Ratten, V. (2011). Sport-based entrepreneurship: Towards a new theory of entrepreneurship and sport management. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 7(1), 57–69. <https://doi.org/10.1007/s11365-010-0138-z>
- Ratten, V., & Thukral, E. (2020). Sport entrepreneurship education. In V. Ratten (Ed.), *Sport Entrepreneurship* (pp. 151–160). Emerald Publishing Limited.
- Ratten, V., Jones, P., (2021). Entrepreneurship and management education: exploring trends and gaps. *Int. J. Manag. Educ.* 19 (1), 100431.
- Rauch, A., & Hulsink, W. (2015). Putting entrepreneurship education where the intention to act lies: An investigation into the impact of entrepreneurship education on entrepreneurial behavior. *Academy of Management Learning & Education*, 14(2), 187–204. <https://doi.org/10.5465/amle.2012.0293>

- Saptono, A., Wibowo, A., Widyastuti, U., Narmaditya, B S., Yanto, H. (2021). Entrepreneurial self-efficacy among elementary students: the role of entrepreneurship education. *Heliyon* 7 (2021) e07995.pp1-7. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2021.e07995>
- Turner, T., Gianiodis, P., (2018). Entrepreneurship unleashed: understanding entrepreneurial education outside of the business school. *J. Small Busin. Manag.* 56 (1), 131–149.
- Ubović, M. (2025). A systematic review entrepreneurial competence of sports students for entrepreneurship after graduation. *Exercise and Quality of Life*, 17(2), 89–98. <https://doi.org/10.31382/preprint.000117>
- UNESCO. (2016). *Education 2030: Incheon Declaration and Framework for Action*. Paris: UNESCO. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000245656>
- Wardana, L.W., Narmaditya, B.S., Wibowo, A., Mahendra, A.M., Wibowo, N.A., Harwida, G., Rohman, A.N., (2020). The impact of entrepreneurship education and students' entrepreneurial mindset: the mediating role of attitude and self-efficacy. *Heliyon* 6 (9), e04922.
- Wiklund, J., Nikolaev, B., Shir, N., Foo, M.D., Bradley, S., (2019). Entrepreneurship and well-being: past, present, and future. *J. Busin. Vent.* 34 (4), 579–588.